



تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۰ اذان مغرب ۲۰:۴۵ اذان صبح فردا ۴:۰۵ طلوع آفتاب ۵:۵۱

نخستین شماره ۸ تیر ۱۳۹۱ - ۸ شعبان ۱۴۳۲ - ۲۸ زوئن ۲۰۱۲ - سال نهم - شماره پیاپی ۱۵۶۴ - شماره ۶۴۰ دوره جدید - ۱۲ صفحه۲۲صفحه ضمیمه

## شترق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲
نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹-۱
تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۵۷۵-۱
امور مشترکین: ۲۲-۸۸۱۲۳۳-۱
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰
چاپ: گلریز
تلفن: ۶۶۸۰۶۲۷۶
www.sharghnewspaper.ir

### دیده بان

### نزدیک شدن به «پیک» نفتی بعدش چه می‌شود؟



#### فریدون مجلسی

■ یکی، دو روز پیش ترجمه‌فarsi مقاله‌ای از «لوموند» به دستم رسید درباره «پیک نفتی» با نقطه اوج عرضه جهانی نفت که پس از آن نقطه به دلیل کاهش منابع افزایش تقاضای پاسبخ می‌ماند.
بسه عبارت دیگر طبق قانون کلاسیک، تعادل بازار را قیمت برقرار خواهد کرد. یعنی آنهایی که دارند بخرند، آنهایی که ندارند بروندا مثل بازار چه قدیمی بهجت‌آباد خودمان! در بخشی از مقاله آمده بود: «سازمان بین‌المللی انرژی پیش‌بینی می‌کند که تا سال ۲۰۳۰ تقاضای جهانی نفت ۵۰درصد افزایش می‌یابد و از ۳/۵میلیون به ۱۲۱میلیون بشکده در روز می‌رسد. آیا کره زمین ذخایر کافی برای پاسخگویی به این رشد روزافزون اشتهای بشریت دارد؟ پاسخ به این سوال با تردیدهای فراوانی همراه است.»

همچنین براساس برآورد سازمان بین‌المللی انرژی «ژ» سال ۲۰۱۰ کاهش استخراج نفت در کشورهای خارج از اوپک شروع می‌شود. پس از این تاریخ افزایش تولیدات کشورهای اوپک، به‌خصوص در کشورهای خاورمیانه مورد نیاز است.»
آیا کشورهای عربی که به عنوان تولیدکنندگان عمده نفت تحت توجه قرار دارند، می‌توانند نیازهای فزاینده متقاضیان کل کره زمین را پاسخگو باشند؟ آنها تولیدات خود را هر گونه که بخواهند مدیریت می‌کنند. مسلمانا آنها می‌توانند ذخایر خود را برای نسل‌های بعدی پس‌انداز کنند.مقاله مفصل است و مثلاً یادآور می‌شود که حاد شدن شرایط کشورها را رازدار کرده و اطلاعات نفتی کشورها را به سراسر دولتی تبدیل کرده و مثلاً در روسیه برای مرتکبان مجازات تا هفت سال زندان قابل شده‌اند (یعنی همان روش روسی).
مطلب کارشناسی و تخصصی است، اما برای ما هم پرشش‌برانگیز است. مثلاً برای خود من پرشش‌های بدون پاسخی از سال‌ها پیش مطرح است که کمتر پاسخی قانع‌کننده درباره آن شنیدم.ام که نمونه‌هایی را برمی‌شمارم: چرا در چنین شرایطی هنوز (یعنی بعد از فقط صد سال تلدام) به سوزاندن بخش مهمی گاز همراه نفت (به اصطلاح فلر) ادامه می‌دهیم؟ و چرا این گاز مازاد (خصوصاً متان) صرف‌راندازی نیروگاه‌های دومنظوره در محل نشده و نمی‌شود که هم برق قابل مصرف و صدور تولید شود و هم تولید جنبی‌اش شیرین‌سازی آب دریا باشد؟ یا با بهای مناسب به صنایع انرژی‌بر مانند آجر و سیمان در محل تخصیص نمی‌یابد؟

چندین سال است ماواردکننده‌بزرین هستیم.بهای سالانه یا بهای چند سال بنزین وارداتی برای ساخت یک پالایشگاه کافی بوده است، که فرآورده خودش به عنوان وثیقه برای تأمین مالی کافی بوده است؟ چرا در همان سال‌های آغازین بحران‌بزرین در کشور افت‌ناشده است؟ برای کشوری که روی دریای نفت است قابل قبول نیست که خام بدهد و فرآورده بگیرد! ادعای ملی کردن صنعت نفت و توانمندی صنعتی اداره مستقل آن را هم داشته باشد!امی‌دانم که سال‌هاست یعنی بیش از ۱۵سال که فناوری جی‌تی‌ال یعنی تبدیل گاز به مایع (یعنی بزرین گازوئیل و تولید جانبی آب) در جهان مطرح است که غذای آن همین گازهای سوختنی (متان) است که مایع کردن و حمل آن مقرون به صرفه نیست. چرا برخلاف قطر در ایران تاکنون در انجام این کار مهم غفلت شده است؟گرچه در تبدیل متان به متانول کار زیادی شده است که با توجه به مقیادین مشترک باید پیش از اینها می‌شد. چرا میزان تولید و صدور نفت با نیازهای واقعی و صرفه‌جویانه داخلی چه از لحاظ انرژی مصرفی و چه از لحاظ ارز مورد نیاز واقعی تنظیم و محدود نمی‌شود؟ چه نیازی به ذخیرسازی ارزی است که ارزش آن به نوسان‌های آن، یعنی در واقع کاسته شدن ارزش آن به تمایلات اقتصادی کشور صاحب ارز بستگی دارد (مثلاً اگر عربستان ۶۰۰میلیارد دلار ذخیره ارزی داشته باشد و آمریکا ارزش دلار را نصف کند بهای نیمی از نفت‌های خریداری‌شده‌اش را در سنوات قبلی‌اش مسترد داشته است؟) یا این ذخایر هر روز قابل بلوکه شدن باشد؟ یعنی به نظر می‌رسدنفت مازاد بر نیاز واقعی اگر در چاه بماند بیشترین صرفه اقتصادی را دارد، مگر غیر از این است؟ در حالی که ارزش ذخیره ارزی معمولاً کاهش می‌یابد و خودش هم نغله و خرج اتینا و برآوردن نیازهای مستمندان داخلی و خارجی می‌شود!با یا تقسیم آن میان خانواده‌ها آنان را به استراحت روزانه ولمی‌دارد تا شبها راحت بخوابند!چرا مصارف داخلی و صادراتی نفت و گاز و پتروشیمیایی را نمی‌توانیم چنان بر مخازن مشترک متمرکز کنیم که کلاهی را که بر سرمان رفته است جبران شود، و نیز از مزیت نسبی خودمان در زمینه پتروشیمی و صنایع زیردستی بهره‌مند بشویم؟ چرا صادرات نفت خام نباید ممنوع شود؟ اکنون که مصرف داخلی و خارجی نزدیک نصف به نصف شده است، چرا این نصفه را هم پالایش نکنیم؟ در چنین وانفاسی کشورهای صنعتی مانند ژاپن نفت ارزان کشورهای مانند ما را می‌خرند و ذخیره می‌کنند تا در زمانی که خود سا دیگر نفتی نداریم به ریش‌مان ببخشند. چرا خودمان با فروش به اندازه نیازمان ذخایرمان را ندانیم بخشیم؟ اینها بخشی از پرشش‌های نامتخصصی است که کاش متخصصان پاسخگوی آن می‌بودند!

## جایزه آکادمی فرانسه برای «شایگان»

شرق: سال گذشته مدال بزرگ فرانکو فونی (Grandemédaille de la francophonie) که



در ضمن جایزه دوم این آکادمی هم محسوب می‌شود، به «دکتر داریوش شایگان» تعلق گرفت. معمولاً آکادمی فرانسه هر سال در ماه ژوئن فهرست جوایز خود را به شخصیت‌های فرهنگی و ادبی اعلام می‌کند که برندگان در ماه دسامبر طی مراسمی در محل آکادمی جوایز خود را دریافت می‌کنند. هفته گذشته آکادمی فرانسه اعلام کرد جایزه اول آکادمی را که معروف به جایزه بزرگ فرانکو فونی (Grand prix de la francophonie) است به دکتر داریوش شایگان اهدا می‌کند. لازم به یادآوری

#### مرگ مولف

**علی کسمایی بنیانگذار صنعت دوبلاژ ایران درگذشت**
**در تنهایی امیر آباد تهران**
**پژمان موسوی**
ساکن امیرآباد تهران بود؛ ساکن که نه در خانه‌ای محقر و کوچک با فضای ۲۰ تا ۳۰ متر، تنها روزها را شب می‌کرد و شب‌ها را روز و این سرنوشت مردی بود که روزی روزگاری در همین تهران، صنعت دوبله را بنیانگذاری کرد و با تربیت نسلی از دوبلورهای ایران، سال‌های طلایی دوبله را در تاریخ هنر این سرزمین به ثبت رساند.
علی کسمایی به واقع فراتر از یک نام بود. آخر مگر می‌شود کسی که دوبله «شازده احتجاب»، «هزار داستان»، «سربردان»، «پن خانه دور است»، «سال‌های جوانی»، «حکایت آن مرد خوشبخت»، «کمیته مجازات» و «هور در آتش» و فیلم‌های خارجی «کنتر ژواگو»، «بانوی زیبای من»، «آوی موسیقی»، «همלט» و… را در کارنامه هنری‌اش ثبت کرده است، تنها یک نام باشد؟ او کسی بود که با مدیریت دوبلاژ سریال‌ها و فیلم‌های کلاسیک و تأثیرگذار قرن بیستم، صنعت دوبلاژ ایران را به نقطه‌ای از ثبات و آرامش رساند و مهم‌تر از آن، زمینه «دیده شدن» آثار مهم سینمایی جهان را در ایران فراهم آورد. در مقابل اما ما با او چه کردیم؟ چه فایده دارد اکنون بدرقه شکوهمند او از مقابل تالار وحدت و پیام‌های تسلیتی که «ممکن است» یکی پس از دیگری صادر شوند برای استادی که در سال‌های پایانی زندگی، «مطلقاً» تنها بود و کسی صدای فریادش را نمی‌شنید.

## متانت، صبر و آرامش مثال‌زدنی

از مدیران دوبلاژ صداهایی را که مناسب تشخیص می‌دادند به یک‌دیگر معرفی می‌کردند. بنده هم از طریق مرحوم آقای «کاملی» به آقای کسمایی معرفی شدم. اگر چه چون من به سرعت و برای دوبله سریال‌ها به تلویزیون رفتم، فیلم‌های محدودی را در خدمت‌شان بودم اما با این حال آنچه از ایشان در خاطرم مانده است متانت، صبر و آرامش مثال‌زدنی‌شان است.

## جاودانه شد، چون جای خودش را پیدا کرده بود

کارگردانی هم دارد، اما هیچ یک از نقش‌ها یا فیلم‌های او در خاطرم‌ها نمانده و آنچه همه از او در خاطرم‌ان داریم، دوبله‌های ماندگاری هستند که در سطح کلان بین‌المللی نیز مطرح و جاودانه‌اند. زندگی کسی چون او برای من درس بزرگی دارد. همیشه از زندگی‌های این چنینی این درس را گرفتم که برای پیدا کردن جای خودم تلاش کنم تا آنجایی قرار بگیرم که باید باشم. تصور می‌کنم هر کس چون او جای خودش را پیدا کند حتماً در چه یک خواهد شد. در واقع همه در چه ک هستند به شرط آنکه سر جای خودشان قرار بگیرند و جایگاه خودشان را پیدا کنند.

## آبرو و حیثیت دوبلاژ ایران

وجود داشت که باید به جای همه‌شان صحبت می‌کردی و غرق در دنیایشان می‌شدی، ایشان واقعاً در کارشان جدی بودند و به همین دلیل افراد زیادی را یاری همکاری با ایشان نمود چراکه همه‌کس، اشخاص جدی چون ایشان را در کنار خود نمی‌بسنند، هر چند این جدیت ذاتی وجود ایشان بود البته باید این را هم اضافه کنم که بنده بخش کوچکی از حاصل عمر «علی کسمایی» هستم چراکه ایشان شاگردان بسیاری تربیت کردند و بر گردن بسیاری از دوبلورهای گذشته و حال ایران از سال ۱۳۲۹ که وارد این عرصه شدند حق دارند از آن رو حتی فتن «پدر دوبلاژ ایران» برای ایشان بسیار کم است و می‌توانم بگویم که حاصل عمر استاد علی کسمایی، آبرو و حیثیت دوبلاژ ایران است.

## جدی و کوشا در کار

بالایی برخوردار بودند و واقعاً بحق است که ایشان را «پدر دوبله ایران» لقب داده‌اند چراکه هنر دوبله را ایشان در ایران پایه‌گذاری کردند از سوی دیگر ایشان هم در کارشان جدی بودند و هم کوشا و این در موفقیت‌شان تأثیر بسزایی داشت هر چند شاید برای بعضی‌ها این جدیت و کوشایی سخت و گران می‌آمد. سریال‌های هزارداستان، میزرا کوچک خان، سرداران و فیلم‌های بانوی زیبای من و گوزن‌ها که من هم در آنجا گویندگی نقش «فراسرز قربیبان» را بر عهده داشتم، در رخشان‌تیر آثار استاد به شمار می‌رود. آخرین دیدار من با ایشان، حدود ۱۰ روز پیش بود که برای عیادت شرفیاب شده بودم.



نخستین شماره ۸ تیر ۱۳۹۱ - ۸ شعبان ۱۴۳۲ - ۲۸ زوئن ۲۰۱۲ - سال نهم - شماره پیاپی ۱۵۶۴ - شماره ۶۴۰ دوره جدید - ۱۲ صفحه۲۲صفحه ضمیمه

## کارگردان زن معروف آمریکایی درگذشت

«سورا افرون» فیلمنامه‌نویس و کارگردان فیلم‌های «وقتی هری با سالی ملاقات کرد» و «بی‌خوابی در سیاتل» روز سه‌شنبه بر اثر سرطان خون در بیمارستان ویل کورنل در منهتن در ۷۱ سالگی درگذشت. افرون در خانواده فیلمنامه‌نویس‌ها متولد شد، در ۲۰ و ۳۰ سالگی روزنامه‌نگاری موفق بود، بعد نوبسنده کتابی پرفروش و بعدش نیز کارگردانی موفق شد، او یکی از تأثیرگذارترین نویسندگان نسل خود بود. از میان فیلم‌های محبوب او می‌توان به «وقتی هری با سالی ملاقات کرد»، «بی‌خوابی در سیاتل» و «جولی و جولیا» اشاره کرد.



#### کیوان زرگری

cartoononline.persianblog.ir

**خطر محرومیت از المپیک، ورزش ایران را تهدید می کند**



#### برداشت آخر

## تفکیک جنسیتی کنسرت خواجه امیری را لغو کرد

«حسین علیزاده» و «پژمان حدادی» در نیشابور، بهانه لغو آن کنسرت‌ها البته تفکیک جنسیتی نبود و به نظر می‌رسد این رویکرد تازه قرار است به روال کنسرت‌ها تبدیل شود. «زور» با این استدلال که محل حضور و نشست آقایان و خانم‌ها باید کاملاً جدا از یکدیگر باشد، این کنسرت را منتفی کردند. این کنسرت که بنا بر اعلام برگزار کنندگان و طبق مجوز دریافتی قرار بود هشتم و نهم تیر در این شهرستان برگزار شود، بنابر درخواست مسوولان محلی مبنی بر تفکیک‌های جنسیتی منتفی شد. تفکیک جنسیتی در حالی در سالن‌های موسیقی مشاهده می‌شود که رئیس‌دفتر موسیقی وزارت ارشاد به‌رغم تماس‌های مکرر خبرنگار «شرق» در دسترس نبود و تلفنش تنها آهنگ پیشواز سفوفنی شماره ۴۰ موزارت را به تماس گیرنده پیشکش می‌کرد. احسان خواجه‌امیری، خواننده هم که تمایل چندانی به گفت‌وگو در این زمینه نداشت، تنها به ذکر این جمله بسنده کرد: «بناید خانواده‌ها را در کنسرت‌ها از یکدیگر جدا کنیم و من قطعا در چنین کنسرتی شرکت نخواهم کرد.» در همین حال، رهبر ارکستر احسان خواجه امیری در گفت‌وگو با «ایسنا» با تأیید این خبر گفت: «پس از اعلام این موضوع از سوی مسوولان شهرستان نور، تصمیم گرفتیم این کنسرت اصلاً برگزار نشود.» این چندمین نمونه از برخورد سلیقه‌ای مسوولان محلی برخی شهرستان‌ها با گروه‌های موسیقی است؛ از لغو کنسرت برخی شهرستان‌ها با گروه‌های موسیقی است؛ از لغو کنسرت «همایون شجریان» در تبریز و کنسرت گیتار نوای یکی گروه موسیقی در بوشهر گرفته تا جلوگیری از کنسرت بداهه‌نوازی اصلا بر گزار نشود.

این چندمین نمونه از برخورد سلیقه‌ای مسوولان محلی برخی شهرستان‌ها با گروه‌های موسیقی است؛ از لغو کنسرت

برخی شهرستان‌ها با گروه‌های موسیقی است؛ از لغو کنسرت

«همایون شجریان» در تبریز و کنسرت گیتار نوای یکی گروه موسیقی در بوشهر گرفته تا جلوگیری از کنسرت بداهه‌نوازی

#### آکادمی

## ماجراجویی‌های خلبان بازنشسته

۱۸۰۰ متری زمین رفت و سپس در این ارتفاع از بالگرد بیرون پرید. «بوز روسی» که فرمانده بازنشسته خطوط هوایی بین‌المللی سوییس است، با استفاده از بال‌هایش به آسانی در آسمان شناور می‌ماند و وضعیتش را تثبیت می‌کند. او طوری از این بال‌های جتدار استفاده می‌کند که انگار پرده‌است و این بال‌ها هم بخشی از بدنش هستند. وی پس از آن ارتفاع خود را کم کرد و به هواپیما نزدیک شد و هفت دقیقه به همراه این هواپیما پرواز کرد. «بوز روسی» اول خلبان ارتش بود، اما بعدها به عنوان فرمانده پرواز در پروازهای تجاری مشغول کار شد. کل لباس پرواز این خلبان ۵۳ ساله به همراه چتر نجات ۵۵ کیلو وزن دارد. طول بال‌هایش نیز حدود دو متر است. گفتنی است «بوز روسی» اولین فردی است که در سال ۲۰۰۶ با بال‌های جتدار پرواز کرد. وی تاکنون بر فراز کوهستان آلپ از جمله دریاچه ژنو پرواز کرده و کانال مانش را زین‌با گذاشته است.

#### خط آزاد شرق

## مرغ برزیلی

#### سارا فرهمند

– الو! خط آزاد؟

– بله، بفرمایید!

– خانم! من واردکننده هستم…

– جان؟!

– یعنی توی کار وارداتم…

– آه.. ترسیدم! حالا چی وارد می‌کنید؟ از کجا به

کجا وارد می‌کنید؟

– بنده به دستور دولت مسرغ وارد می‌کنم. از برزیل

وارد می‌کنم به ایران.

– دست شما درد نکند! یا ما چه امری داشتید؟

– می‌خواستم از طریق روزنامه شما به مردم عزیز بگم این مرغ‌هایی که قراره ما از برزیل وارد کنیم، نه تنها از وزن تر از مرغ‌های اروپونه، بلکه خیلی هم بهتره!

– عجب! مطمئنید که دارید مرغ وارد می‌کنید دیگه؟

– بعله خانم! دست‌کم گرفتی ما رو؟ البته فقط مرغ وارد نمی‌کنیم. قاطیش خروس هم هست.

– خروس؟ خروس‌ها هم قابلیت ویژه‌ای دارن؟

– البته. خروس‌هاش همه از یه مرغداری حوالی باشگاه ساتونز خریداری شدن. دربیل می‌زنن عینیهو رونالدینیهو.. قراره به تعدادیشون روزنده وارد کنیم و قالب کنیم به تیم‌های فوتبالی لیگ برتر.

– این هم خیلی کار مثبتیه.. فقط گفتید خروس‌ها رو از مرغداری خریدید؟ مگه تو برزیل جداسازی حالیشون نیس؟

– داری وارد معقولات می‌شی‌ها آبیجی! در لافاه عرض می‌کنم که همه‌جای دنیا، پشت هر خروس موفق حداقل

یه مرغ موفق حضور دارم..

– آها!.. از اون نظر.. حالا اینها رو که وارد کنید قیمت

مرغ ارزون می‌شه؟

– بعله که ارزون می‌شه.. فقط مردم عزیز ما باید یه نمونه صبر داشته باشن.. چون این مرغ‌ها نه که از خارج میان، زیاد به چلوخورشت فسنجون و زرشک‌پلو ووجه‌کباب شدن عادت ندارن. باهاس بهشون فرصت داد تا با فرهنگ ما انس بگیرن و به شرایط اقلیمی ایرون عادت کنن.

– حالا چقدر طول می‌کشه تا انس بگیرن؟

– مرغ‌ها کلا زود انس می‌گیرن.. حالا اینا چون خوش

بر و رو هستن، ممکنه یه‌خرده بخشون دیر او شه. اما اگه او شه، دیگه وا نشده. مشکل بزرگ اینها ناآشنایی با زبون فارسیه. براشون کلاس قدقد فشرده می‌ذاریم تا یه ساله راه بیفتن.

– مگه مرغ زنده وارد می‌کنید؟

– نه.. ولسی به کاری می‌کنیم که مسرغ مرده هم به فارسی قدقد کنه!

– بد هم نیست، تا شما توی این دوره یه ساله زبون

مرغ‌ها رو بهیود ببخشید..

– آفرین! چه مرغ نکته‌سنجی!.. ببخشید.. چه خانم نکته‌سنجی! این‌هم بد فکری نیست. مطرح می‌کنم توی سندیکای واردکننده‌ها، راستی‌اکی پخش می‌شه؟

– اونی که پخش می‌شه صدای قدقدۀ آقای محترم.

روزنامه معمولاً چاپ می‌شه، بعد پخش می‌شه!

– آها!..!

#### داستان کوچک

## حکایتی کوناه

#### فرانتس کافکا

مترجم: هادی عظیمی



■ روزی موش گفت: «ففسو! دنیا هر روز کوچک‌تر و کوچک‌تر می‌شود. اوایل آنقدر بزرگ بود که می‌ترسیدم؛ آنقدر که می‌دویدم و می‌دویدم و از دیدن دیوارهای دوردست که به چپ و راست کشیده شده بودند خوشحال می‌شدم، اما این دیوارهای طولیل به سرعت باریک شده‌اند، آنقدر که الان در آخرین جای آن هستم و باید آن‌طرف‌تر، گوشه دیوار، از لوله توالت عبور کنم.» فقط کافیتس‌میرت را عوض کنی.» گربه این‌را گفت و او را به یکباره خورد.

#### برش از اخبار

### بر نامه سازمان زیاسازی برای نیمه شعبان

■ جشنواره «۱۱۰ کوچه منظر» با مشارکت نوجوانان محلات مناطق مختلف برای آذین‌بندی خلاق و باشکوه ۱۱۰ کوچه در سطح تهران، به منظور بزرگداشت ایام نیمه شعبان و فعالیت هرچه بیشتر و سازماندهی شده نوجوانان در این ایام جسته، برگزار می‌شود. به گزارش روابطعمومی سازمان زیاسازی شهر تهران، سید محمدجواد خوشتری، مدیرعامل این سازمان با اشاره به این مطلب یادآور شد، قالب این جشنواره صندوقان دوره راهنمایی (۱۲ تا ۱۵ ساله) ساکن هر منطقه، به پنج گروه تقسیم شد و به آذین‌بندی پنج کوچه هر منطقه می‌پردازند که در نهایت، در مجموع ۲۲ منطقه شهر تهران، ۱۱۰ کوچه آذین‌بندی خواهد شد.